

عنوان مقاله:

کاربست روش معناشناسی فقهی در موضوع هنر

محل انتشار:

دوفصلنامه فقه و اجتهاد، دوره 6، شماره 12 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

مهدی امینی - مدرس دانشگاه سوره تهران و مدیر گروه فقه هنر موسسه فتوح اندیشه

جعفر سرباززاده - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم؛ پژوهشگر گروه فقه هنر موسسه فتوح اندیشه

خلاصه مقاله:

حضور جدی فقه در عرصه های فردی و اجتماعی هنر نیازمند موضوع شناسی و به تبع معناشناسی دقیقی از آن است؛ اما این حضور، بیش از همه در ابواب فراگیر همچون عبادات و معاملات بوده است و بابتی برای موضوع مستنبطه عرفی هنر گشوده نشده تا معنای متغیر آن را در چارچوب موضوع شناسی فقهی تعریف کند؛ از این رو ضروری است با ورود به حوزه معناشناسی، روش کشف معنا از ابواب فقهی دیگر اصطیاد گردد و به تعریف هنر توسعه داده شود؛ بنابراین در مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، روش معناشناسی فقهی، استخراج و در جهت کشف معنای هنر، به کار بسته شده است. در این راستا با توجه به اینکه فقها تعریف مشخصی از معناشناسی فقهی به دست نداده اند، در گام نخست معناشناسی فقهی تعریف شده و روش رایج آن در میان فقها تبیین گشته است. در این تحقیق با بررسی ادله فقها در به کارگیری روش معناشناسی و توسعه آن در عرصه هنر، تلاش شده معنای هنر که عنوانی غیرمنصوص، مستنبطه و منقول عرفی است، روشن شود؛ نتیجه آنکه «هنر کنش خلاقه ای است که کشف هنرمند از عواطف یا ادراکات علمی را از دریچه مهارتی خاص در قالب افعال یا اشکالی به منصه ظهور می رساند و عرف خاص هنری، آن کنش را متصف به هنر و خروجی آن در قالب اشکال و افعال را نیز به عنوان «اثر هنری» می شناسد».

کلمات کلیدی:

موضوع شناسی، معناشناسی، عرف، موضوع غیرمنصوص، موضوع مستنبط، هنر، الفن

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1264054>

